



فقدان کتاب‌های تئوریک ادبی در عرصه فرهنگ و ادب امروز جامعه ما نقصی دیرینه و آشناست که بارها از آن سخن رفته است. این کاستی در حوزه شعر دوچندان می‌نمایند، چراکه به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی و بستگی کامل شعر به کلام و عناصر زبانی ترجمه متون نظری غیر ایرانی چندان مفید فایده نیست. این خلاء در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به دلیل نوپایی یا بی‌عنایتی چنان مضاعف است که انتشار یک جلد کتاب نظری را بی‌گمان بایید «اتفاق» و «حادثه»‌ای در خور اعتنا ارزیابی کرد.

آقای منوچهر علیپور که در عرصه نقد ادبیات کودک و نوجوان اینک به نامی آشنا بدل شده است، کتابی راهی بازار نشر کرده به نام پژوهشی در شعر کودک که به دلایل فوق‌الذکر شایان توجه است. وی پیشتر کتابی به نام آشنایی با ادبیات کودکان و کتاب دیگری به نام در ترازوی آینه گون، (نقد اشعار پنج شاعر کودک) منتشر کرده بود که امسال مجدداً توسط ناشر دیگری (البته باز هم به نام چاپ اول) تجدید چاپ شد.

کتاب شامل شش بخش (و یک مقدمه طولانی از دکتر قدمعلی سرامی) است: تعاریف، موسیقی و انواع آن در شعر کودک، صور خیال و بنیاد آن در شعر کودک، نقش زبان در ساختار شعر کودک، گذری در قالب‌های شعر کودک، اشاره‌ای بر مهمترین ویژگی‌های شعر کودک. هر بخش شامل زیر بخش‌هایی است. برای مثال فصل موسیقی خود شامل ۱۶ زیر بخش چون قافیه، ردیف،

واج‌گرایی، جناس، موسیقی معنوی و مراعات نظیر است. وقتی سخن از کتابی درباره شعر کودک به میان می‌آید بی‌شک در ذهن‌ها کتاب محمود کیانوش در این باب نقش می‌بندد. شعر کودک در ایران که برای نخستین بار در آبان ماه سال ۱۳۵۲ از سوی انتشارات آگاه منتشر شد، و پیش از آن به صورت سلسله مقالاتی طی ده شماره در مجله رودکی در سال‌های ۵۱ و ۵۲ به چاپ رسیده بود، تا به امروز معتبرترین منبع درباره شعر کودک و به بیان دیگر منبع منحصر به فرد این حوزه بوده است. برای این که روشن شود این تأکید آمیخته با اغراق نیست شرح و توضیحی لازم است. نه تنها تاکنون کتاب مستقل و جداگانه‌ای درباره شعر کودک در ایران منتشر نشده است بلکه در سایر متون نظری هم کمتر بحث مفصل و دامنه‌داری در این باره می‌بینیم.

مثلاً در کتاب ادبیات کودکان نوشته دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد که نخست در سال ۱۳۴۰ در تبریز منتشر شد و تا به امروز نزدیک به ۲۰ چاپ از آن را با اصلاحات و اضافاتی در انتشارات سروش و اطلاعات شاهد بوده‌ایم و شناخته شده‌ترین و پرخواننده‌ترین کتاب درباره ادبیات کودک در ایران بوده و هست و سال‌ها در دانشگاه‌ها هم تدریس شده، کلمه‌ای (دقیقاً کلمه‌ای) درباره شعر کودک سخن نگفته و منظور آن از ادبیات کودک منحصر به داستان و نمایشنامه ... است.

کتاب‌گذری در ادبیات کودکان نوشته خانم‌ها آهی، میرهادی و دولت‌آبادی که چندی پس از کتاب کیانوش منتشر شد و از کتب معتبر و مرجع این حوزه به شمار می‌رود و تا زمان انقلاب دو بار هم تجدید چاپ شد تنها ۶ صفحه مطلب درباره شعر کودک داشت. مقالات ترجمه هم درباره شعر کودک وجود داشت که

البته به دلایل پیش گفته و بدیهی چندان جنبه عینی و عملی نمی‌یافت. (مثل مقاله آگینا بار تواز اتحاد جماهیر شوروی که در کتاب نکاتی درباره ادبیات کودکان چاپ دوم ۲۵۳۶ نقل شد).

تنها کتابی که با موضوع شعر کودک پیش از انقلاب انتشار یافت، شعر نوجوانان و کودکان در ده قرن (دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۴) گردآوری آزاده مقدم بود که مجموعه اشعار گردآوری شده بدون هیچ پشتوانه علمی و تعریف منطقی و بدون انضمام کمترین بحث نظری درباره تعریف و ویژگی‌های شعر کودک بود. در کتاب نقد کتاب‌های ابتدایی و ادبیات کودکان تألیف گیتی فلاحی رستگار (مشهد، ۱۳۴۰) طی ۷ صفحه بر نقد یک کتاب ترجمه شعر به شعر پرداخته شد و دیگر بحثی از شعر کودک به میان نیامد.

در عرصه مطبوعات هم وضع بهتر از این نبود. مجموعه مقالاتی که درباره شعر کودک در سال‌های پیش از انقلاب منتشر شد از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود. مقالاتی مثل «توصیه‌هایی چند به معلمان درباره شعر کودکان» نوشته حسن احمدی در گزارش شورای کتاب کودک (آذر ۵۱)، «نظری به شعر کودک در ایران» نوشته غلامرضا جورکش در مجله نگین مورخ شهریور ۵۴ و مقاله «شعر کودکان و نوجوانان» نوشته عباس یمنی شریف در گزارش شورا شهریور ۵۶.

جداً از بحث نظری، از نقد مصادیق هم خبری نبود. فرخ صادقی و دیگران در نشریات و کتابچه‌هایی به نقد کتاب‌ها پرداختند. اما ظاهراً چیزی به نام نقد شعر کودک در آن سال‌ها ضروری و دارای موضوعیت به نظر نمی‌رسیده است. مجموعه نقد‌هایی که بر شعرهای کودک صورت گرفت نیز به تعداد انگشتان یک دست

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیدعلی کاشفی خوانساری

و بالاخره... اما!

نمی‌رسد. نقدهایی مثل نقد شعر «آواز فرشتگان» یمنی‌شریف در مجله سخن (مهر ۱۳۲۵)، نقد «اتل متل توتوله» جعفر تجارتنی به قلم توران میرهادی در راهنمای کتاب خرداد ۴۶، نقد شعر «قند و عسل» آذریزدی به قلم محمدعلی جمالزاده در همان مجله مورخ شهریور ۴۶، نقد «خروس زری پیرهن پری» شاملو به قلم کرامت رعنا حسینی در همان مجله دی ۴۶ و نقد «آوای نوگلان» یمنی‌شریف به قلم صمد بهرنگی باز هم در راهنمای کتاب مورخ خرداد ۱۳۳۷. البته کیانوش مقالاتی به جز آنچه در کتابش آمده در این باره داشت مثل «کودکان و شعر» که در «مجمع بین‌المللی کارشناسان ادبیات کودکان» در سال ۱۳۵۴ در تهران ارائه شد و سپس در فصلنامه کانون هم به چاپ رسید.

به تعبیری می‌شود گفت که آنچه کیانوش درباره شعر کودک نوشت چه از نظر حجم و چه از نظر قوت تئوریک از آنچه که جمله دیگران در سال‌های پیش از انقلاب نوشته بودند فراتر بود و به این ترتیب سایه سنگین نام کیانوش بر سر شعر کودک و نوجوان افتاد. تا جایی که محافل دانشگاهی هم که معمولاً ادبیات کودک را به رسمیت نمی‌شناختند نتوانستند آن را نادیده بگیرند و دکتر عباس حزی در نامه انجمن کتابداران ایران به بررسی کتاب کیانوش پرداخت.

سال ۵۷ و سال‌های پس از آن با انبوهی از کتاب‌ها و جزوه‌های نقد ادبیات کودک روبه‌رو شدیم که با نگاهی سیاسی - انقلابی به سراغ این مقوله آمده بودند اما از نقد شعر خبری نبود. پس از آن هم اتفاقی نیفتاد. هیچ کتاب مستقلی درباره شعر کودک در میان حدود ۲۰ کتابی که درباره ادبیات کودک نوشته شد به چشم نمی‌خورد.

حتی کتاب «روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان» نوشته محمد صبری عملاً منحصر به داستان است. سایه سنگین کیانوش و قوت تئوریک او، این جسارت را از نویسندگان می‌ربود. البته کوشش‌های پراکنده‌ای شد مثلاً مصطفی رحماندوست در کتاب‌های ادبیات کودک که برای دانشگاه تربیت معلم نوشت فصلی را به شعر اختصاص داد و یا در کتاب بنقشه حجازی (که پایان‌نامه دانشگاهی اوست) بیش از دیگران مطلب درباره شعر درج شد، همچنین پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان دو شماره از خود را به این مقوله اختصاص می‌داد. افرادی چون جعفر ابراهیمی شاهد (با مقالاتی به نام «وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند» در گلبنگ و قلمرو و مقالاتی در آیش، کیهان بچه‌ها و...) و اسدالله شعبانی در این باره مقالات و نقدهایی نوشتند، اما از کتاب مستقلی در این باره خبری نشد. رحماندوست سال‌ها وعده داده بود که مشغول نگارش «چارچوب شعر کودک» است. جعفر ابراهیمی و اسدالله شعبانی هم خبر از کتاب‌های مشابه دادند اما هنوز پس از ۲۷ سال کتاب کیانوش یگانه کتاب به زبان فارسی درباره شعر کودک بود.

با این تفصیلات ارزش کتاب آقای علیپور بیشتر آشکار می‌شود. به گمان من اینکه علیپور در کتاب خود، چه نوشته و این نوشته‌ها تا چه حد از تازگی و صلابت برخوردار است در درجه دوم اهمیت است. اتفاق مهم این است که نویسنده و منتقد جوانی سکوت ۲۷ ساله را شکسته و این جسارت را به خود داده که کتابی بنویسد که با کتاب کیانوش مورد مقایسه قرار بگیرد. جسارتی که در بزرگان و زعمای ادبیات کودک زمانه خود (از هر گروه و گرایش) سراغ نداشتیم. زمانه ما زمانه منتقدان و استادان بدون نوشته است؟! بزرگان ادبیات کودک به این

نتیجه رسیده‌اند که نیازی به نوشتن نقد و آثار تئوریک ندارند. چرا سواد علمی خود را در معرض قضاوت دیگران بگذارند؟ چرا با نوشته‌های خود نویسندگان، ناشران یا مسؤولان را برنجاندند و دشمن تراشی کنند؟ برای استاد و پیشکسوت بودن همان حضور در هیأت‌های علمی، هیأت‌های داوری و مجامع دانشگاهی کافی است. مگر حتماً باید کتاب و مقاله و نقد نوشت؟

ارزش کار علیپور همین است که گفته شد و این ستودنی است. اما جدا از آن باید دید علیپور چه نوشته است؟ آیا کتاب او، اثری جامع‌تر، روزآمدتر و علمی‌تر از کتاب کیانوش است؟ آیا صرفاً تقلیدی از کار اوست؟ بررسی کتاب علیپور و مقایسه آن با کتاب کیانوش به نتایجی می‌انجامد که از آن جمله‌اند:

۱. کتاب کیانوش، اثری جوششی، شخصی و مستقل است. کتابی که هنرمندی پیشرو و پرشور با اجتهاد شخصی خویش تحریر کرده و در آن به هیچ کتاب تئوری جدید و یا قدیم استدلال نشده و نقل قول نگردیده است. او خود اذعان دارد که «این اصول را به مرور و تجربه دریافته است» او جسورانه خواسته با «قبول شهادت آغازگری در راهی نیپموده» راه‌گشای دیگران باشد. او اصلاً برای نظر دیگران اهمیتی قائل نبوده. دکتر شفیعی کدکنی در خاطره‌ای راجع به کیانوش که در روزنامه همشهری مورخ بیستم مهر ماه سال ۷۹ درج شده، می‌نویسد: «عیب بزرگش این بود که نظر انتقادی هیچ کس را قبول نداشت».

اما کتاب علیپور همان طور که در عنوان آن ادعا شده اثری پژوهشی است و همان‌گونه که از یک پژوهشگر انتظار می‌رود به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته و متن او لبریز از نقل قول‌ها و استنادهایی به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشی در شعر کودک

منوچهر علی‌پور
با مقدمه‌ای دکتر محمدعلی سزگمی

پژوهشی در شعر کودک

منوچهر علی‌پور

انتشارات تیرگان، چاپ اول، ۱۳۷۹

متون دیگر است.

این تفاوت هم برای کتاب علیپور با حسن همراه بوده و هم عیب. امروزه از یک متن تئوریک انتظار می‌رود متنی علمی و پژوهشی باشد نه یک بیانیۀ تندروانۀ شخصی. این حسن کنار علیپور نسبت به کیانوش است. اما عیب، علیپور در میان حجم انبوه نقل قول‌هایش گم شده و اثری از نظریه و اجتهاد شخصی او کمتر مشاهده می‌شود. کار او به پایان نامۀ دانشجویی می‌ماند که توانسته اطلاعات خوبی را گردآوری و نقل کند اما در آن از آن «آن»، اصالت، پختگی و نظریه شخصی که باید پیونددهنده مطالعات و اطلاعات گردآوری شده باشد کمتر اثری هست.

۲. گفتیم که تراکم اطلاعات جستجو شده در کار علیپور زیاد است. با این همه جستجوهای او کامل نبوده و ظاهراً به منابع معدودی منحصر بوده است. در میان استنادات و نقل قول‌های کتاب به کمتر اثری از آثار جدیدتر درباره شعر کودک برمی‌خوریم.

در میان منابع او از نشریات پویش، پویه، قلمرو و پژوهشنامه هرکدام تنها یک شماره به چشم می‌خورد. او حتی شماره ۳ پژوهشنامه را که درباره شعر کودک است و یا مقالات پیوسته ابراهیمی را در گلبانگ و یا دهها مقاله پراکنده‌ای که درباره شعر کودک طی این سال‌ها در مجلات مختلف چاپ شده ندیده هر چند که با جستجو در مجلات نمایه و یا فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات و یا فهرست مقالات فارسی ایرج افشار و... قابل دسترسی بود. به عبارتی کار او بر پژوهش و بررسی منابع نظری پیشینی استوار است، اما دستمایه او برای این اتکا کامل و کافی نیست.

۳. کتاب علیپور ۲۷ سال پس از کتاب کیانوش نوشته شده است و می‌دانیم که در این سال‌ها چه تئوری‌های ادبی که سر بر نیاوردند و چه مکاتبی که ظهور و سقوطشان را شاهد نبودیم. در این سال‌ها از نظریه‌های ادبی و نقادانه غرب بسیار ترجمه شد و بسیار آموختیم آنچه را که پیش از آن نمی‌دانستیم. با این حال اثری از این گذشت زمان در مقایسه دو کتاب آشکار نمی‌شود.

دعاوی، ادبیات، دغدغه‌ها و مباحث علیپور به شدت قدیمی است و رنگ و بوی سنتی و حتی کهنگی دارد. کتاب او را که می‌خوانیم ناچار به یاد «المعجم فی معاییر اشعار عجم» و «معیار الاشعار» و سایر کتب سنتی عروض و قافیه و بدیع می‌افتیم. پیشروترین و جدیدترین الگوی او «صور خیال در شعر فارسی» است. در کتاب او از دغدغه‌هایی که منتقدان شعر در زمانه ما دارند اثری نیست. خواه مباحث رایج در شعر به مفهوم کلی و خواه شعر کودک. نه بحثی از تأویل است نه از محور عمودی و افقی میان متن و فرامتن، ساختار و بافتار، اقتصاد خوانش شعر، دلالت آشکار و ضمنی، شیوه نگارش و تقطیع شعر، آشنایی‌زدایی و ساختار شکنی، اصوات و زبان، شعر کوچه و گفتار و منثور و حجم و پلاستیک و نسل پنجم و... .

در کتاب او از دغدغه‌های منتقدان شعر کودک مثل نام شعر، آغاز شعر، تازگی، احساس، تخیل، عاطفه، دایره واژگان، واژه‌سازی و ترکیب‌سازی، ذهن‌گرایی، ساختار کودکانه زبان، طرد ذهنیات بزرگسالانه، جان بخشی، خودمیان‌بینی، ترکیب عینیت و ذهنیت، شخص درون اجتماع و اجتماع درون شخص، تصویر و... اثری نیست.

در میان واژگان نقد سنتی هم بیشتر به معیارهای فنی و لغوی بها داده شده و کمتر اثری از مباحث معنایی چون ضخامت کلام، مفاخره، فخامت، طبیعت کلام، توسع واژگان، جوهره شعری و... مشاهده می‌شود. این قدیمی بودن در زبان و لحن کتاب هم مشاهده می‌شود. زبان کتاب پر از طمطراق رایج در دانشکده‌های

ادبیات فارسی است و نوشته‌های ادبا و ادب‌پژوهان نسل پیش را به یاد می‌آورد.

۴. کیانوش در کتابش هر جا که مثالی از شعر کودک نیاز داشته عمدتاً از یمینی شریف، دولت آبادی و خودش مثال آورده است. علیپور هم پس از ۲۷ سال کتابی در آن حوزه نوشته و عجیباً که باز هم عمده مثال‌های او از ایشان است. گویی در این سال‌ها شاعر دیگری به میدان نیامده که بتوان در ایضاح بحث، نمونه‌ای از شعر او را به عنوان نمونه‌ای خوب یا بد نقل کرد. انگار پس از کیانوش، نه مصطفی رحماندوستی در این کشور داشته‌ایم و نه نیکخواه، ابراهیمی (شاهد)، شعبانی، ملکی، قاسم‌نیا، نیری، امین‌پور، شعبان‌نژاد، علاء، هنرجو، کشاورز، ماهوتی، حمزه‌ای، مهرپرور، پوروهاب، مزینانی، نصرتی، نیک‌طلب و... .

شاید هم مؤلف به سیاق سلیقه دانشکده‌های ادبیات هر نوع تازه‌ای را کم ارزش می‌داند و ارزش و اهمیت را در کار قدما منحصر می‌بیند. برای همین چون از یمینی شریف و... قدیمی‌تر نیافته مدام به تمجید آنها می‌پردازد و از اشعار متأخر جز در ضرورت و به اندک یاد نمی‌کند.

پانوشته:

«اطلاعات مقاله‌شناختی مندرج در این مقاله را از طرح در حال تدوین «فهرستگان ادبیات کودک و نوجوان» که توسط حقیر و همکارانم در دست تهیه است نقل کرده‌ام.

